[97] حضرت واقع شد، امام خونها را با دستش جمع كرد وبسوى آسمان پرتاب كرد وپس از حمد وثناى الهى فرمود: خداوندا ! من بسوى تو شكايت مى كنم آنچه نسبت به پسر دختر پيامبرت اعمال مى شود، خدايا يكايك آنان را نابود ساز، وآنان را با پراكندگى بقتل برسان، وهيچيك از آنان را باقى مگذار. (37) دعاى آن حضرت بعد از آنكه بسوى ايشان تيراندازى كردند از مسلم بن رباح نقل است كه گفت: با آن حضرت در روز عاشورا بودم، تيرى را بسوى چهره ايشان پرتاب كردند، به من فرمود: أي مسلم دستت رانزديك آور، دستم پر از خون شد، فرمود تا در دست ايشان بريزم، آن حضرت خونها را بسوى آسمان پرتاب كرد وفرمود: خداوندا ! از خون پسر دختر پيامبرت خونخواهى كن. مسلم گويد: قطره أي از آن خون به زمين بازنگشت. (38) دعاى آن حضرت هنگاميكه از اسب بر روى گونه راستش بر زمين افتاد بنام خدا وبياد أو وبر راه پيامبر خدا. _____